



Beak [beak] n.

The bird used her beak to dig a small hole in the ground.

به معنای منقار

پرنده از منقار خود برای حفر یک سوراخ کوچک در زمین استفاده کرد



Damp [dæmp] adj.

My hair is still damp from my shower.

به معنای مرطوب

موهام هنوز از حمام نم دارن



Disapprove [disə 'pru:v] v.

Alex, disapproved of his son's behavior.

به معنای رد کردن

الکس، رفتار پسرش را تایید نکرد



Except [ɪk 'sept] prep.

Everyone had fun on the trip except Jim, who felt ill the whole time.

به معنای بجز

همه در این سفر به جز جیم که در تمام مدت احساس بیماری می کرد لذت بردند



Flight [flaɪt] n.

The airplane made a flight around the world.

به معنای پرواز

این هواپیما به دور دنیا پرواز کرد

Good luck



Fond [fɒnd] adj.

I am very fond of chocolate cake.

به معنای عاشق، علاقه‌مند، شیفته
من خیلی به کیک شکلاتی علاقه دارم



Immoral [ɪ'mɔ(:)rəl] adj.

Stealing money from one's mother is an immoral act.

به معنای غیراخلاقی
سرقت پول از مادر یک عمل غیر اخلاقی است



Ivy ['aivi] n.

The walls of the castle are covered with ivy.

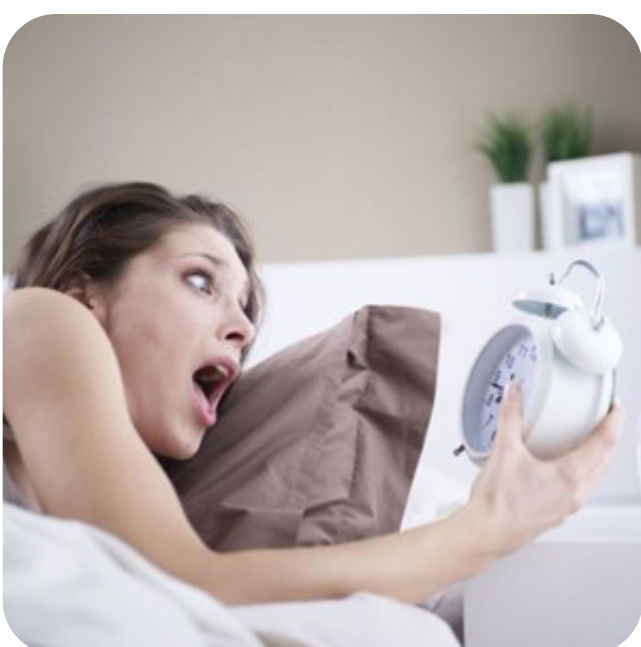
به معنای پیچک
دیوارهای قلعه با پیچک پوشیده شده است



Moan [maʊn] v.

The sick man moaned from his bed.

به معنای ناله کردن، زاری کردن
مرد بیمار در رخت‌خوابش ناله میکرد



Oblivious [ə'blɪvɪəs] adj.

I was late to school because I was oblivious of the time.

به معنای غافل، ناآگاه
به دلیل غافل شدن از زمان به مدرسه دیر رسیدم

Good luck